

گفت‌وگو

گفت‌وگو ۸۸۴۹۸۴۲۸



چند و چون ساخت آثار نمایشی برای کودکان در گفت‌وگوی «جوان» با آرش شریف‌زاده

کار کودک جشن عروسی و تولد نیست!

◆ **سمانه صادقی**

نمایش برای کودکان به مثابه پرورش خلاقیت و انگیزه در ذهن و فکر آنهاست به نحوی که در مسائل تربیتی، روانشناسی و رشد استعدادها و خلاقیت‌های کودکان نفوذ چشمگیری دارد. نمایش کودک موجب فعالیت قوه تعقل و اندیشه آنها می‌شود و جوهر فکری آنها را با تلنگر به حرکت وامی‌دارد. کودکان دارای روحیه‌ای ظریف و شکننده و از نظر روانشناسی موجوداتی پیچیده با نگاهی ساده هستند. کودکان در برابر شخصیت‌های خلق شده در نمایش‌ها مثل گرگ، دیو، جادوگر، روباه و... حس وحشت و ترس و با یه، خر گوش، دختر شاه پریون و دیگر شخصیت‌های مثبت حسن مهر بانی، شجاعت و زیرکی را به خوبی تجربه می‌کنند به گونه‌ای که پس از پایان یک اجرا آنها خود را به جای شخصیت‌های اصلی و قهرمانان حقیقی آن قصه قرار می‌دهند و با آنها تخیل‌شان را به کار انداخته و در تصویر ذهنی خود را به مثابه قهرمانی شجاع قلمداد می‌کنند. در واقع کمتر کودکی را می‌توان یافت که شخصیت منفی و بد نمایش را به عنوان الگو در نظر بگیرد و با آن همذات‌پنداری نماید. آقای آرش شریفی‌زاده کارگردان نمایش «گروقالو» نیز قصد دارد در این نمایش به کودکان آموزش دهد که چطور از خردشان در برابر قدرت‌بازوی دشمنانشان استفاده کنند. به بهانه اجرای این نمایش در تالار هنر با وی به گفت‌وگو نشستیم.

■ ■ ■

در ابتدا بفرمایید چطور داستان گروقالو را برای اولین کار کارگردانی‌تان انتخاب کردید.

این نمایش از داستان «گروقالو» به نویسندگی «جولیا دونالدسون» اقتباس شده که توسط «هرام جلالی‌پور» دوست عزیزم به فارسی ترجمه شده است. البته این کتاب به عنوان یکی از پرفروش‌ترین کتاب‌های کودکان در اروپا شناخته شده و خاتم «جولیا دونالدسون» در سال ۲۰۱۴ در جشنواره‌ای به نام (دهاوس) برای نویسندگی آن جایزه دریافت کرده است. آقای جلالی پور قبلاً در کلاس‌هایی که با بچه‌ها داشتند از این داستان استفاده می‌کردند و باز خوردهای خوبی هم از بچه‌ها دیده بودند، بعد به بنده پیشنهاد کردند که این داستان را به صورت نمایش برای گروه کودک و نوجوان اجرا کنم که پذیرفتم و تمرینات نمایش را از سال گذشته آغاز کردم.

با توجه به اینکه کودکان به دلیل اینکه صبر و حوصله کمتری دارند تا پایان نمایش تئاتر یا فیلم‌ها در سالن نمی‌مانند، نمایش شما چقدر توانسته در جذب کودکان تا پایان کار موفق باشد؟

اینکه کار موفق بوده را باید از خود بچه‌ها پرسید، ولی همین که در سالن بچه‌ها حرف نمی‌زنند، به کار توجه دارند و در قسمت‌های پایانی نمایش که معمولاً بچه‌ها حوصله‌شان سر می‌ود، هنوز صدای خنده و دست‌زدن را می‌شنویم گویای این است که نمایش «گروقالو» برای آنها جذاب بوده است.

نمایش گروقالو برای چه رده سنی است؟
برای گروه سنی «ب» و «ج» یعنی کودکان سه سال به بالا، تا حدود دوران ابتدایی و ابتدای دوره راهنمایی.

به نظر شما چه سختی‌هایی در ساخت تئاتر کودک وجود دارد؟
اگر منظورتان این است که آیا کار کودک سخت است، باید بگویم به کار برای کودکان برای بنده خیلی سخت است چرا که بسیار کار حساسی است. هرچند اغلب مردم معتقدند ساخت اثر برای کودک ساده است به دلیل آنکه تصور می‌کنند چون مخاطب کودک است شناخت و آگاهی آنچنانی از دنیای پیرامونش ندارد و باید کوشی کوچک به‌خنده می‌افتد یا با کار جملہ یا حرکت به سادگی می‌ترسد و به قولی احساس‌شان دم دستشان است ولی اینطور نیست. اگر بخواهیم برای کودکان درست کار کنیم متوجه خواهیم شد که چه کار دشواری است، مثلاً من به عنوان یک بازیگر یا کارگردان یا عروسک گردان باید با روحيات کودک در سنين مختلف آشنا باشم و بدانم با یک کودک چطور باید رفتار شود. کجای داستان باید کودک بخندد، ترسد یا ناراحت باشد و حتی بغض کند، البته من نمی‌خواهم بگویم که بنده همه این موارد را می‌دانم، ولی در این چند

نظراتی که ثبت شده است بیان این مطلب را دارند

که نمایش هم از لحاظ محتوا، شاد بودن و تصاویری که در نمایش استفاده می‌شود برای مخاطبان کودک کمان راضی‌کننده بوده و در کل تماشاگران با رضایت سالن نمایش را ترک می‌کنند.

در مورد قصه نمایش توضیح دهید.

داستان موش تنبل و خیالبافی است که توسط پدر و مادر از خانه برای جمع اوری گرو و پسته به جنگل فرستاده می‌شود و در راه با روح پدر بزرگ که قبلاً به خواب پدر خانواده آمده و از وضعیت نوازش ناراضی بوده، مواجه می‌شود. در ادامه این راه از نمایش‌هایی که در مدارس اجرا می‌کردیم آغاز کردم و برای آموزش بهتر در کلاس‌های نویسندگی و کارگردانی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوان ثبت‌نام کردم، سپس در سال ۶۷ به مدرسه هنر و ادبیات کودکان و نوجوان رفتم و به مدت یک‌سال زیر نظر استاد علیرضا خمسه به

قرار گرفتن تمام عوامل تولید می‌شود. من اعتقاد دارم از لحاظ بصری باید تماشاگر را راضی نگه داریم. در نمایش گروقالو تلاش بنده و همکارانم این بود که رضایت مخاطبانمان را جلب کنیم و ایندیوار تماشاگران هم از نمایش ما رضایت داشته باشند ولی چون خودم در دوره‌ای هم بازیگر بودم و عروسک گردان، معتقدم بازیگر حرف دیگری است، به همین خاطر بیشتر به این بخش در کار اهمیت می‌دهم، به قولی بازیگر سلطان صحنه است چرا که اگر بازیگر کارش را بلد نباشد می‌تواند تماشاگر به ویژه کودک و نوجوان را سر جایش میخکوب کند. بازیگر به خوبی می‌تواند تمامی نظرات کارگردان را به‌بترین شکل به تماشاگر منتقل کند.

در طراحی صحنه از نقاشی‌های ون گوگ استفاده کردید که تا به حال در کار کودکان استفاده نشده و از المان‌های حیوانی مثل گوش و دم



مسئولان باید به هنرمندان اعتماد کنند. آنها می‌توانند برنامه‌ها را از تکرار مثل بعضی برنامه‌هایی که با یک مجری و یک عروسک یا با عموها و خاله‌ها سال‌ها

بدون هیچ تفکر و خلاقیتی برنامه می‌سازند نجات

دهند

که خصوصیات خیلی ترسناکی دارد و حیوانات درنده جنگل با شنیدن تعاریفی که از حیوان می‌شنوند فرار می‌کنند ولی این بچه‌موش با رسیدن به درخت جادویی به‌موجودی برمی‌خورد که نمایی خصوصیات تخیلی‌اش که قبلاً گفته بود را داراست اما با فکر این موجود بزرگ را هم شکست می‌دهد و به عنوان یک موش قهرمان به خانه بازمی‌گردد. تصویر به‌تحصیل پرداختم.

از قول شما در مصاحبه‌ای خوانده بودم که باز بگر برایتان در صحنه بسیار مهم است، این به آن معنی است که عوامل دیگر مثل گریم، طراحی صحنه و لباس، موسیقی و... اهمیت چندانی ندارند؟
خیر نمایش یک کار گروهی است و از کنار هم

هر کار کودک به ضرب موسیقی و دست زدن کار خوبی نیست و کار کودک با جشن عروسی و تولد تفاوت دارد. بچه‌ها در این مراسم‌ها هم دست می‌زنند و شاد هستند اما دلیل نمی‌شود چون در این نوع فضاها شاد هستند پس ما هم با موسیقی ریتمیک و اشاره به دست زدن بگویم کار مان شاد و موزیکال است

کمتر در نمایش بهره برده بودید. ایده این کار چطور به نظر تان رسیده بود.

طراحی صحنه این نمایش توسط بنده و همسر انجام شد. همسرم فارغ‌التحصیل رشته نقاشی است و همانطور که اشاره کردم خودم هم گرافیک خوانده‌ام. بالطبع گرایش ماهه هنرهای تجسمی در طراحی صحنه باعث این انتخاب شد، البته همسر عقیده داشت ما توانایی استفاده از نقاشی‌های دیگر ون‌گوگ را هم داریم که به‌دلیل محدودیت زمانی نتوانستیم این کار را انجام دهیم اما ما هر موانی که در کل صحنه ایجاد شده یک فضای رنگی و شاد را برای مخاطب به‌وجود آورده و مطمئن هستیم در کارهای بعدی از این نقاشی‌ها و سبک‌ها چه ایرانی و چه خارجی استفاده خواهیم کرد. در مورد لباس‌های اجرا هم سعی شد از لباس‌هایی استفاده شود که از لحاظ بصری برای مخاطب آشنا و در شخصیت‌پردازی کاراکترها هم قابل لمس باشند، مثل استفاده از کت فراک برای مار. در مورد گریم کار هم به این صورت بود که بنده ایده‌ام را در اختیار طراح گریم خاتم مرضیه استفاده از نظرات همان گریمی که مدنظر بود را اجرا می‌کردند، البته نوع کار ایجاد می‌کرد گریم‌ها خیلی پرنشاط و سعی شده بود کودک و نوجوان با تخیل و دقت خود گریم را تکمیل کنند، آقای نوایی از دوستان قدیم بنده هستند که خیلی با تحمل و صبر موسیقی‌های نمایش را کار کردند و اعتقاد داشتند این نمایش باید موسیقی در خدمت کار و با بازیگرها داشته باشد و بر اساس نوع میزآنسن‌هایی که داده می‌شد موسیقی را کار می‌کردند و معتقدم موسیقی این نمایش جزو یکی از بهترین کارهای فرید نوایی است. آقای سمایی نورپرداز نمایش هم وقت زیادی برای بهتر شدن کار گذاشتند، حتی حین اجرا هم پیشنهاد می‌دادند و همین مسئله باعث شده بود نورپردازی کار بسیار زیبا شود. در کل تجربه بسیار خوبی بود.

شما وضعیت تئاترهای کودک را امروزه چگونه می‌بینید؟ آیا کیفیت تئاتر کودک در سال‌های اخیر نسبت به گذشته تغییری داشته است؟

باید بگویم در کل ما امروز با کارهای خوبی در زمینه کودک روبه‌رو هستیم به‌خصوص در تئاتر و تئاتر عروسکی، ولی امکان دارد در این میان بعضی از دوستان به دلیل کم‌تجربگی و نداشتن شناخت کافی از کار کودک آثاری ساخته‌اند که از کیفیت خوبی برخوردار نیستند و با پر کردن تمام سالن‌های تهران (از شهرستان خبری ندارم) از اینگونه آثار با هر کیفیتی شکستلاری ایجاد کرده باشند! امروزه بعضی از دوستان بازیگر، کارگردان، طراح صحنه و لباس، آهنگساز و... با اجرای یک کار در مقام کارگردانی، بازیگر یا حتی طراح صحنه و لباس می‌خواهند خود را به کار کودک تحمیل کنند و حتی حاضر به یادگیری اصول آن هم نیستند، در صورتی که در دهه‌های گذشته اینطور اتفاقات کمتر رخ می‌دادند ولی در کنار این افراد هستند دوستانی که به کارشان کاملاً آشنا هستند و گروه را خوب هدایت می‌کنند.

با توجه به وعده‌های وزیر فرهنگ در خصوص بهبود وضعیت هنری کشور به نظر شما برای هنر کودکان در زمینه تئاتر، سینما و مجموعه‌های تلویزیونی چه اقداماتی باید صورت گیرد؟

امیدوارم این وعده‌ها جنبه اجرایی هم بگیرند و فقط حرف نباشد چون فکر می‌کنم این حرف‌ها کمی تکراری و خسته کننده شده‌اند. در مورد کار تلویزیون همانطور که گفتم مسئولان باید از پیشکسوتان در کنار هنرمندان جوان و با اعتماد به برنامه‌سازی آنها استفاده نمایند و بایدن کارهای موفق در کشور و حتی برنامه‌های موفق در خارج از کشور آنها را بررسی کنند که چرا آن برنامه‌ها خوب بوده‌اند و با آگاهی دنباله‌روی آنها نشوند نه فقط تکرار یا کپی کنند. در مورد سینما، ما جشنواره بین‌المللی کودک و نوجوان را داریم که هر سال در شهر اصفهان برگزار می‌شود ولی اگران این فیلم‌ها در طول سال به‌قدری نگاهم‌هنگ می‌گرد که خیلی‌ها آن فیلم‌ها را تا به حال ندیده‌اند. در مورد تئاتر که وضعیت بدتر است و تئاتر کودک از بزرگسال هم وضعیت بدتری است. بدتر است. ما در طول سال دو سالن حرفه‌ای بیشتر نداریم، یک تئاتر عروسکی مرکز تولید تئاتر عروسکی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان دومی تالار هنر و بعضی از فرهنگسراها که امکان اجرای بعضی از کارها را ندارند. جناب وزیر محترم ما (نمایشگران تئاتر کودک و نوجوان چه عروسکی چه زنده) سالان حرفه‌ای به جز این دو تالار هنر و مرکز تولید تئاتر کودک ندارند. با همین امکانات ناچیز و قدمت این سالن‌ها که به دهه‌های قبل برمی‌گردد دوستان من با عشق به بچه‌های کشور و با شرایط بد در حال اجرای نمایش‌های خود هستند، اگر مکان اجرای حرفه‌ای درست شود این پتانسیل مطمئن باشد هزاران برابر می‌شود و فرهنگ و هنر کودک این کشور را به راحتی می‌توان از زیرنا ساخت، چون بعضی از دوستان هنرمند من این موضوع را از انگیزه و توانایی دارند.

علت عدم استقبال کارگردانان و نویسندگان از ساخت اثر برای کودکان چه می‌تواند باشد؟
این استقبال عدم ندارد ما هم نویسنده پر کار داریم

هم کارگردان پر کار که برای کودکان فعالیت می‌کنند، شما نگاهی به انجمن تئاتر کودک یا انجمن تئاتر عروسکی بیندازید. اعضای زیادی هستند که عضو اینجمن‌ها هستند، ولی متأسفانه ما سالان کافی برای اجرا نداریم. الان تنها سالان حرفه‌ای برای کودکان در تهران تالار هنر است و مرکز تولید تئاتر و تئاتر عروسکی کانون پرورش فکری کودک و نوجوان، بقیه سالن‌ها چند منظوره هستند یعنی هم سالن کلاس‌های آموزشی فرهنگسراها هستند هم همایش برگزار می‌کنند و هم تئاتر اجرا می‌کنند که این تعداد سالن برای اجرای نمایش کودک خیلی خیلی کم و محدود است.

در گذشته با استفاده از شخصیت‌های عروسکی مجموعه‌های تلویزیونی و سینمایی بسیاری برای کودکان ساخته می‌شد از جمله مجموعه کلاه قرمزی، زی‌زی گولو و... اما امروزه دیگر شاهد ساخت چنین آثاری نیستیم. شما علت را در چه می‌بینید؟

کودک با عروسک می‌تواند به دنیایی فراتر از ذهن و فکر سفر کند و برای او خیلی جذاب است که با عروسکی این کار را انجام دهد که برای دیگران شناخته شده باشد. در گذشته ما عروسک‌های محبوبی برای بچه‌ها داشتیم مثل عزی گولو، جانی و لاغر، کلاه قرمزی و پسر خاله، آسمون و ریسمون، سنج و مدرسه موش‌ها که بچه‌ها و حتی بزرگترها هم با این عروسک‌ها همراه بودند؛ پس می‌توان مطمئن شد و خود یک عروسک در دنیای کودک که با فکر و اندیشه به کار گرفته شود، مهم است و این ارزش عروسک را در ذهن کودک نشان می‌دهد. حتی در خارج از کشور عروسک‌هایی هستند که سال‌های زیادی روی صفحه تلویزیون قرار دارند و محبوبیت آنها امروزه هم وجود دارد مثل عروسک‌های شاپو. علت اینکه امروزه از این جور شخصیت‌های عروسکی کمتر ی‌باشد اصلاً در تلویزیون‌مان نمی‌بینیم به نظر من هم علت را باید از مدیران سازمان صدا و سیما جستجو کرد و هم از هنرمندان خوب کشور. متأسفانه وقتی ما برنامه‌ای را در اشل تلویزیون می‌بینیم که موفق بوده در ماه‌ها یا سال‌های بعد همان عروسک یا موضوع آن تکرار می‌کنیم. در بعضی عروسک‌ها این تکرار موفق بوده مثلاً آثار طهماسب در برنامه‌های روزوی که با کلاه قرمزی اجرا می‌کنند سعی کرده هر بار عروسک جدیدی را معرفی کند که این مسئله خیلی خوب جواب داده یعنی تفکری پشت این برنامه هست که هم مسئولان به آن پایبند هستند و هم عوامل هنری و اجرایی که بازدهی این کار را در سطح جامعه می‌توانیم ببینیم که مخاطبان زیادی دارد پس نتیجه می‌گیریم این نوع کار درست است. البته تا حدودی هم برنامه عروسکی سنج‌هم که چند سالی روی آنتن موفق بود ولی نتوانست زیاد دوام بیاورد چون به تکرار نزدیک شد. وقتی مادر گذشته این برنامه‌ها را داشتیم و موفق بودند نشان می‌دهد پس چند قدم جلو بودیم. مسئولان باید این قضیه را به‌قال نیک بگیرند و از هنرمندان و کسانی که فکر خوب دارند، دعوت کنند و از آنها بخواهند تا برنامه اصولی بسازند و آن تکرار پرهیز کنند چرا که ما توانمندی‌های خود و فکرهای خلاق در عرصه کار کودک داریم. مسئولان باید کمی به هنرمندان متعهد اعتماد کنند. آنها می‌توانند برنامه‌های تلویزیون را از تکرار مثل بعضی برنامه‌هایی که با یک مجری و یک عروسک یا با عموها و خاله‌ها سال‌ها بدون هیچ تفکر و خلاقیتی برنامه می‌سازند نجات بدهند. من متکر این گونه برنامه‌های شوم ولی باید با خلاقیت فکرهای خوب برنامه سازم داشته شود.

با توجه به اینکه شما سال‌هاست در زمینه هنری کودکان فعالیت دارید بفرمایید نقدتان به اجرای تلویزیونی که با عروسک همراه است، برای کودک چیست؟ (منظور عموها و خاله‌هایی هستند که همراه با عروسکی برنامه‌های کودک را اجرای کنند)

تکرار، تکرار، تکرار. هر برنامه‌ای به مشکل تکرار بر خورد کند نابود می‌شود. بهترین برنامه‌های تلویزیونی چه در کشورمان و چه در خارج از کشور اگر به تکرار بدون فکر و ایده کشیده شوند نابود می‌شوند. عموها، خاله‌ها یک زمانی برای مخاطب جذاب بودند چون اولین بار بود که اینگونه برنامه‌سازی‌ها در کشور انجام می‌شدند ولی ای‌پس از ۲۰-۱۰ سال هم همان جذابیت را خواهند داشت به همان صورتی که امروزه پخش می‌شوند! من مطمئن هستم اگر در برنامه‌ای پسرمار و ببر و در آن برنامه شرکت کنند آن را برای خود ضبط می‌کنم چون فرزندم را در آن نشان دادم، بیشتر والدین هم همین طور هستند، حتی در نمایش کودک هم وقتی بازیگر بچه‌ها را به‌روی صحنه به‌دلیل گوناگونی می‌آورد من نوعی که با فرزندم آمدم تا تئاتر ببینم دوست دارم پسرمار یا دخترم را آن بالا ببینم، من وظیفه خود در قبال تئاتر یا برنامه تلویزیون انجام دادم و آن شرکت کردن در اینگونه برنامه‌هاست ولی آیا هنرمندی که در تئاتر کودک یا تلویزیون فعالیت می‌کند هم وظیفه‌اش را به خوبی انجام می‌دهد؟ یعنی آن هنرمند فرزند من را با تفکر و خلاقیتی که دارد وارد صحنه می‌کند یا به دلیل علاقه معمولی که هر کودکی دارد او را در نمایش داخل می‌کند. یک مجری، یک عروسک گردان و یک صدابیشه حرفه‌ای می‌تواند بچه‌ها و حتی بزرگترها را جلوی تلویزیون یا روی صحنه نمایش کند.

در پایان اگر نکته‌ای باقی‌مانده بفرمایید.

در پایان قدرانی می‌کنم از دوستانم که در این کار کمک کردند و تحمل کردند خلق و خوی بد بنده را و همکاران تالار هنر و همینطور آقای شهرام کریمی مدیر تالار هنر که از کار ما حمایت کردند. خواهشی از دوستان دست‌اندر کار تئاتر کودک دارم. تئاتر کلاً مظلوم است و تئاتر کودک و نوجوان از این مظلوم‌توان ۱۰ دارد پس بیشتر به وضعیت تئاتر کودک و نوجوان اهمیت بدهید، هم از لحاظ نوع نمایش‌هایی که اجرا می‌شوند و هم از لحاظ مالی کمک کنند. علاوه بر اینکه در زمینه تبلیغات هم به کمک نمایش‌ها باید تا که بیشتر دیده شوند. ما مدافع این نظر به هستیم که هر مسئله تربیتی باید از دوران کودکی آموزش داده شود، پس تئاتر کودک با ستر مهمی است برای یادگیری، در نتیجه بیشتر باید به آن بها داده شود. در مورد نوع اجرای کار کودک هم باید بگویم ازوما هر کار کودکی به ضرب موسیقی و دست زدن کار خوب و شادی نیست و کار کودک با عروسی و تولد تفاوت دارد. بچه‌ها در مراسم جشن عروسی و تولد هم دست می‌زنند و شاد هستند اما دلیل نمی‌شود چون در این نوع فضاها شاد هستند پس ما هم با موسیقی ریتمیک و اشاره به دست زدن بگویم کارمان شاد و موزیکال است و بچه‌ها خوششان می‌آید. در کار تئاتر بچه‌ها را نباید مجبور کنیم دست بزنند چرا که توجه کردن به نمایش و دقت به صحنه‌ها به مراتب خیلی بهتر از دست زدن و جیغ کشیدن در آموزش‌شان تأثیر دارد.

آرش شریف‌زاده